

# برای رفقای شانزده آذری

## کسرا دارابی

کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه تهران

نوارخانه شانزده آذر سال‌ها مسئولیتی خاص را در دانشکده‌ی فنی بر عهده داشته است: ایجاد زمینه‌ای مناسب برای گفت‌وگو و مطرح کردن دغدغه‌ها و افکار متفاوت از فضای معمول دانشکده فنی. اهمیت این موضوع برای دانشجوی فنی آنجاست که به جای کنار گذاشتن علائقش در زمینه‌ی هنر و اندیشه، به چنین تمایلاتی میدان می‌دهد و نوارخانه شانزده آذر بستری فراهم می‌کند که دانشجویان با دغدغه‌های مشترک گرد هم آیند.



متفاوت می‌توانند افکار و ایده‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، باهم کتاب بخوانند و گفت‌وگو کنند، در مورد ادبیات، سینما، جامعه‌شناسی، موسیقی و... بحث کنند. نوارخانه شانزده آذر را می‌توان از جهاتی شبیه خیابان شانزده آذر دانست، یک طرف دود و دم انقلاب و سمت دیگر طراوت و خنکی بلوار کشاورز و پارک لاله، مسافتی کوتاه که پیشینه‌ای پرتب و تاب دارد. در هر سمت خیابان شانزده آذر (که این دو فضا را به هم وصل می‌کند) مسیری با درختان تنومند و ساختمان‌های قدیمی‌شتری-استخوانی دانشگاه تهران قرار دارد.

پس اگر خشکی و صلبی فضای مهندسی اذیتان کرد نوارخانه جایی است که در آن می‌توانید ایده‌ها و افکارتان را با دیگران به اشتراک بگذارید و نظرتان جدید بهره‌مند شوید. اینکه اتاقی پر از نوار و کتاب در همکف دانشکده فنی که توسط دانشجویان اداره می‌شود، عملکردی کاملاً مجزا از کلیت اتمسفر مهندسی داشته باشد به‌خودی‌خود جالب است. به‌طور کلی مفهوم «رقابت» و «بهرتر و بدتر» در هر فضای دانشگاهی آن‌قدر توی چشم می‌زند که لازم است گاهی چشم را بست یا از آن روگردانید و به سمت دیگری نگاه کرد؛ اما این سمت دیگر کجاست؟

شاید به همین خاطر داستایوفسکی در رمان «یادداشت‌های زیرزمینی» در فصلی به نام «بر برف نمناک» از زبان شخصیت اصلی داستان این‌طور توصیف می‌کند: «عده‌ای زندگی را همچون یک مسیر واضح و مستقیم می‌بینند، انگار هیچ‌چیزی جز خود هدف در اطراف مسیر وجود ندارد. همه فکر می‌کنند باید سرشان را پایین بیندازند و مسیر را هرچه سریع‌تر طی کنند، آن‌قدر تند که اجازه دارند و باید بقیه را کنار بزنند. نباید زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های اطراف حواستان را پرت کند، تنها رسیدن به هدف نهایی اهمیت دارد. ولی همه چیز می‌تواند بسیار پیچیده‌تر و جالب‌تر باشد.»

کم نیستند دانشجویانی که در محیط گاه ملال‌آور دانشکده‌ی فنی، چنین گریزگاهی را جستجو می‌کنند و کنار دروس ریاضیاتی و مفاهیم علمی‌قطعی، گرایش به افکاری در حیطه‌ی فرهنگ دارند؛ اموری که با طرح سؤال، اندیشه‌ای متفاوت از فضای معمول می‌آفریند و این اندیشه و پرسش بخشی از ذهن را به سمت مباحثی هدایت می‌کند که نگاه ما را برای درک مسائل تغییر می‌دهد. شاید به همین خاطر هایدگر فیلسوف معروف آلمانی نوشت: «ما زمانی میتوانیم بدانیم اندیشیدن چه معنایی دارد که خود بکوشیم بیندیشیم.»

نوارخانه شانزده آذر یکی از همین جاهایی است که دانشجویان در طول دوره تحصیل، بسیاری از افکار و نظرات خود را در آن

دنبال میکنند، وقتی از در چوبی کت‌وکلفت نوارخانه وارد می‌شوید، فضایی به‌کل متفاوت از دانشکده و کلاس‌ها خواهید دید. اهالی‌اش این فضا همچون قفسه‌ها و دیوارهایش، دنبال افکاری متفاوت از چیزی هستند که مطابق معمول از هر فضای دانشگاهی، به‌عنوان هدف اصلی، انتظار می‌رود.

در نوارخانه دانشجویان با علائق